

رابطه دولت با تعاونیها در کره جنوبی

از: یانگ - جین کیم Yong Jin Kim
مدیر عامل اتحادیه سراسری تعاونیهای کشاورزی
ترجمه: عبدالرزاق سمیری نژاد

مقدمه

در مدتی کوتاه که زمان آن به کمتر از یک نسل می‌رسد، کشور کره از یک جامعه روستائی با کشاورزی سنتی، به یک کشور پیشرفته صنعتی مبدل گردید.

کلاماً "روشن است که چنین دگرگونی سریع در وضعیت اقتصادی به برنامه‌ریزی علمی و مدیریت دولت مربوط می‌شد. فقدان مواد اولیه و نبود ذخائر مالی در اوائل برنامه از یک طرف و رشد فزاینده جمعیت از طرف دیگر سبب شد که دولت وارد صحنه شود و کارها را به عهده گیرد. از این رو در ابتدای دهه ۱۹۶۰ اولین "اتحادیه کارگری" را در کشور تأسیس نمود و خود عهده‌دار صادرات صنایع داخلی شد.

امروزه وجود تعاونیهای بی‌شمار کشاورزی در سراسر کشور، حاصل تلاش دولت در سالهای نخستین در ایجاد چندین

سازمان کشاورزی و عمران روستایی است. برای انجام کارها ایده‌های لازم و دانش مورد نیاز از بیگانگان گرفته شد، اما دولت توانست برنامه‌ها را مطابق با احتیاجات داخلی و نیاز فرهنگ جامعه پیاده کند و سپس با راه‌اندازی شرکتهای تعاونی به عنوان یک نیروی محرک در راه رشد اقتصاد کشور بهترین بهره را ببرد. از همکاری دولت با تعاونیهای کشاورزی، بیش از سه دهه می‌گذرد، در این مدت دولت با تعاونیها همکاری نزدیک داشته و در ایجاد تسهیلات و توسعه اقتصاد کشور صمیمانه کوشیده است.

در این مقاله سه موضوع گنجانده شده است، اول: شرح تفصیلی مراحل رشد کشاورزی و چگونگی استفاده از تعاونیهای کشاورزی، دوم، بازنگری رابطه دولت و تعاونیها در گذشته و همکاری آنها در این زمینه، و آخرین مرحله نگاهی به آینده و اصلاح تشکیلات شرکتهای تعاونی به منظور توجه بیشتر به اصلاحات سیاسی و برقراری دموکراسی با هدف ایجاد محیط رقابت در فعالیتهای مختلف اقتصادی و بالاخره بهبود کیفیت زندگی مردم.

نگاهی به تاریخ تعاونیهای چند منظوره (Multi Purpose Cooperative)

همچون سایر کشورها، کشاورزان کره‌ای در طول سالیان دراز به سنت‌ها پای بند بوده‌اند و در انجام کارهای مختلف با یکدیگر همیاری و مساعدت داشته‌اند.

آنها کار را به طور گروهی انجام می‌دهند برای مثال، نشاء کاری، برنج‌کوبی، و جین، آماده سازی زمین برای کشت، ساختن جاده در مزارع، ساختن آبگیر و یاری رساندن به همسایگان هنگام لزوم. این چند مورد از جمله کارهایی است که به کمک هم به پایان می‌رسانند.

در چند سال اخیر ما توانستیم فرهنگ تعاون و انجام داوطلبانه کارها را به امید رسیدن به جهان مدرن در جامعه حاکم کنیم.

در سال ۱۹۵ تعاونیهای کشاورزی و بانک کشاورزی از یکدیگر منفک و به طور مستقل فعالیت، خود را در روستاها شروع کردند. اما این دو سازمان در عمل موفق نشدند و نتوانستند به خصوص به "خرده کشاورزان" آن طور که ضروری است خدمت کنند.

لذا، دولت احساس کرد که به یک تعاونی کارآمد و مؤثر برای توسعه و بهبود وضعیت کشاورزان نیاز دارد و این سازمان باید هر چه زودتر تأسیس گردد. در سال ۱۹۶۱ "تعاونی چند منظوره" به وجود آمد، تشکیلات جدید از ادغام تعاونی کشاورزی و بانک کشاورزی سابق تأسیس فعالیت خود را شروع کرد. دلایل مهم یکی شدن آن دو سازمان از این قرار بود:

۱) "خرده کشاورزان" با زمینهای کوچک می‌توانستند زحمات ارائه شده بوسیله سازمان جدید حداکثر استفاده را ببرند، این خدمات شامل: وام کشاورزی، تأمین و تجهیز ماشین آلات کشاورزی مورد نیاز آنها، ایجاد بازار فروش برای محصولات و تولیدات کشاورزان، و بالاخره بالا بردن سطح فرهنگ مردم روستا و چند مورد دیگر بود.

۲) به دلیل ضعف تعاونیها و بانک و عدم همکاری آنها با یکدیگر، زارعین از امکانات لازم بی‌بهره بودند و از تولیدات کشاورزی به درآمد کافی می‌رسیدند.

۳) یکی از وظایف دولت، مشخص نمودن شیوه توسعه روستا و ستا و وظیفه دیگر آن بالا بردن روحیه "اتکا" به نفس" در تعاونیها بود که در این طرح موانع نبود و با قدرت عمل نمی‌کرد و در ایجاد زمینه مناسب به منظور تشویق بانکها به پرداخت وام کشاورزی کاملاً ناتوان بود.

در ابتدای کار، "تعاونیهای چند منظوره" با سه سطح شروع به کار کردند: گروه اول تعاونی روستائی؛ گروه دوم، تعاونی استان و گروه سوم تعاونی در سطح کشور بنام تعاونی ملی. تعداد یگیری تعاونی بطور محدود توسط دامداران و باغداران بوجود آمد و زیر پوشش "تعاونی ملی" قرار گرفت.

نخستین تعاونیها که در روستاها به فعالیت پرداختند، کوچک بودند و با درستی به اعضای خود خدمت نمی‌کردند. بنابراین ما چاره را در ادغام آنها دیدیم، کار را با جدیت شروع کردیم و تا نیمه دهه ۱۹۷۰ از یکی شدن تعداد زیادی تعاونی کوچک، تعدادی "تعاونی شهری" بوجود آمد.

شرکت فعالانه کشاورزان در تعاونیها و رونق بازار تجارت آنها، تعاونیها گروه اول را به فعالیت هر چه بیشتر وادار ساخت. ارائه خدمات به اعضاء فزونی یافت. پیشنهادات مختلف دولت را با کیفیت بزرگ به انجام می‌رساندند. کم‌کم کمک هزینه بیشتر شد و سه گروه تعاونی برای ادامه فعالیت، خود پول بیشتری طلب می‌کردند، بالا رفتن هزینه‌ها آنها را ناتوان ساخت. "تعاونی استان" با بار مالی سنگین مانع ادامه فعالیت تعاونیها شد، کارائی لازم را نداشت و از عهده وظایف محوله بر نمی‌آمد. ناچار ما، در دهه ۸۰، این گروه تعاونی‌ها را به "تعاونی ملی" در سطح کشور تبدیل کردیم.

امروز شرکتهای تعاونی در سطح کشور به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول "تعاونی عمومی چند منظوره" که توسط کشاورزان اداره می‌شوند و دسته دوم "تعاونی باغداران" که منحصراً در اختیار این افراد هستند. این دو دسته تعاونی در اتحادیه تعاون سراسری کشاورزی عضویت دارند.

همکاری دولت و تعاونیها

بهرتر است همکاری دولت و تعاونیها را در سه دهه گذشته "پیوند مصلحتی" نامگذاری کنیم. در ابتدا دولت راه غلط را در پیش گرفته بود، تعاونیها را سازمانی - بهت توسعه روستا می‌دانست. از سوی دیگر تعاونیها برای بقای خود و توسعه بخشیدن به فائلیتها، کمک فراوانی از دولت طلب می‌کردند

من مایلیم نتیجه پیوند مصلحتی را این طور بیان کنم، به رغم آن همه بحث و جدل و کشمکش در طول سالهای گذشته، کارها تاکنون به درستی پیش رفته است. دولت در



اجرای برنامه‌های عمرانی و توسعه روستاها، از تعاونیها به عنوان نماینده خود حداکثر استفاده را برده است. تعاونیها نیز از فرصتهای پیش آمده استفاده کرده و به منافع فراوان رسیده‌اند و با توجه به نوع فعالیتی که دارند از معافیت ویژه مالیاتی بهره می‌برند؛ داد و ستدها را در انحصار دارند، مواد ارزان قیمت به دست می‌آورند و همه جانبه حمایت می‌شوند. در حقیقت اگر سخاوت، حمایت، و تحرک دولت نبود، تعاونیها نمی‌توانستند در این دوره کوتاه پایه‌ها را تا این حد محکم کنند.

اصل ۱۲۴ قانون اساسی کره می‌گوید: (۱) دولت موظف است برای بهبود روستاها طرحهایی با توجه به نیاز روستاها تهیه کند و محیطی مناسب به منظور "همیاری" کشاورزان در کارهای مختلف ایجاد نماید و برای توسعه روستا در تمام نواحی به طور یکسان، کوششهای لازم را به عمل آورد.

(۲) دولت موظف است که از فعالیتهای اقتصادی مردم و صنایع کوچک و متوسط حمایت کند و آنها را فعال گرداند.

(۳) دولت باید مشوق تشکیلاتی چون: صیادی و صنایع کوچک که براساس اصل "همیاری"

صاحبان آنها درست شده‌اند، باشد و آزادی‌های سیاسی آنها را تضمین کند.

همانگونه که در قانون اساسی تصریح شده، از وظایف دولت، تحرک بخشیدن به شرکتهای تعاونی کشاورزان است. حمایت‌های مهم دولت از روستائیان از این قرار است:

در سال ۱۹۶۱ با شروع فعالیت "تعاونی چند منظوره" و در اوائل برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، به تعاونیها اجازه داده شد داد و ستد چند محصول استراتژیک را با نظارت دولت در انحصار داشته باشد.

کود شیمیایی برای زمینهای کشاورزی و افزایش محصولاتی چون برنج و جو امری حیاتی به شمار می‌رفت، لذا واردات آن تماماً در اختیار دولت بود چرا که تولید داخلی آن از میزان تقاضا و مصرف کمتر بود.

زمینداران بر حسب مقدار زمینی که داشتند، سهمیه می‌گرفتند و در سطح کشور با روشی که دولت برای آن تعیین می‌کرد، در اختیارشان قرار می‌گرفت. مسئولیت توزیع کود بین کشاورزان به عهده تعاونیها بود که در ازای تحویل آن اجرت می‌گرفتند، این مهمترین درآمد تعاونیها به شمار می‌رفت. علاوه بر این دولت وامهایی جهت ساختن انبار کود شیمیایی، به تعاونیها اعطا می‌کرد.

مقدار معینی کود حیوانی نیز، از جمله منابع مالی تعاونیها محسوب می‌شد. از انحصارات دیگر تعاونیها که با درآمد فراوان همراه بود، خرید و حمل برنج و جو خریداری شده توسط دولت بود که از مواد حیاتی مردم کره به شمار می‌رفت. تعاونیها به عنوان نماینده دولت در امر خرید و ترخیص غلات فعالیت داشتند.

از کمکهای دیگر دولت به تعاونیها، معافتهای مالیاتی بود که به قصد کمک به تولید کننده روستایی و مصرف کننده شهری منظور می‌شد.

تعاونیهای کشاورزی جزء اصناف طبقه‌بندی شده بودند و از معافیت مالیاتی ویژه صنفی استفاده می‌کردند و سالها است که از این معافیت استفاده برده‌اند.

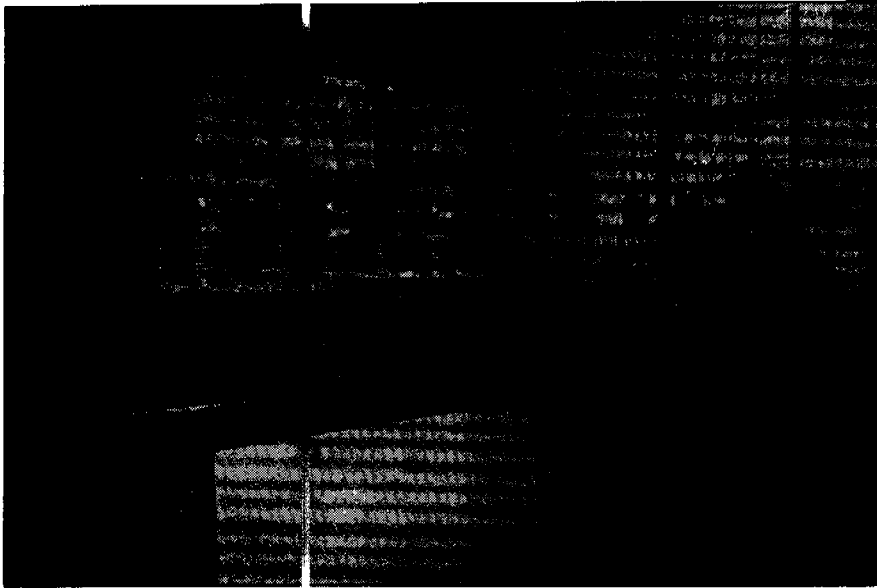
تعاونیهای کشاورزی از ۱۰٪ مالیات اضافی که دیگر صنوف را شامل می‌شود، معافند. این بخشودگی به آنها امکان می‌دهد که، کالاهای وارداتی بخش کشاورزی را با بهای کمتر به دست مصرف‌کننده برسانند و از سوی دیگر به آنها فرصت می‌دهد که در زمینه بازرگانی داخلی با بخش خصوصی به رقابت بپردازند.

و بالاخره آخرین مرحله از کمکهای دولت به تعاونیهای کشاورزی، شامل حمایت همه‌جانبه، رفتار انسانی و صحیح، کمک به موقع و مؤثر می‌باشد.

یکی از راههای مؤثر درآمد وزارت خزانهداری و قسمتی از درآمد دولت مرکزی و دولت ایالتی (محلی) توسط تعاونیهای کشاورزی تأمین می‌شود که نه تنها بینه مالی سازمان توسعه کشاورزی و عمران روستائی را تقویت می‌بخشد، بلکه در زمینه فعال کردن تعاونیهای خصوصی و دوام آنها اثر به‌سزایی دارد.

از امتیازات دیگر تعاونیهای کشاورزی، می‌توان از موقعیت خوب آنها در بازار صحبت کرد، به راحتی می‌توانند حرفة و شغل خود را عوض کنند. برای مثال زمانی که قرار باشد یک قطعه زمین مزروعی به مکانی برای حرفة دیگری مبدل شود، تعاونی کشاورزی وارد معامله شده و تا حد امکان به مالک زمین برای راه‌اندازی حرفة جدید چون: تعمیرگاه ماشین آلات کشاورزی، یا تأسیس فروشگاه تولیدات کشاورزی یا مواد غذایی کمک می‌کند.

به‌طور خلاصه باید گفت، در نتیجه دخالت دولت در امور مالی تعاونیهای کشاورزی، بین‌گروهی از دولت‌مردان و مسئولان تعاونیها اختلافاتی بروز کرده است که امری است، بدیهی. علاوه بر این فعالیت سیاسی این صنف محدود شده و از این رو نمی‌تواند سخنگوی کشاورزان باشد و قادر به حفظ منافع این قشر نیستند. با این حال متجاوز از سی سال بین دولت و تعاونیهای کشاورزی همکاری نزدیک وجود داشته، دولت از



شرکت مستقیم مردم در انتخابات برای تعیین رئیس "اتحادیه تعاونی" در اصلاحات سیاسی گام بزرگی بود که برداشته شد و اصل دموکراسی با شرکت اعضا را در قانون تعاونیها به وجود آورد. در حقیقت از آن پس کشاورزان عضو، صاحبان اصلی تعاونیها شناخته شدند. و در امور مربوط به خود فعالانه شرکت می‌کردند و کارمندان تعاونیها، در محیط جدید، با حرارت و شوق بیشتر به فعالیت می‌پرداختند.

در مسیر تحولات سیاسی و برقراری دموکراسی یک سلسله تغییرات بنیادی در اوضاع اقتصادی مردم روستا پدید آمد. نرخ رشد جمعی، روستائی رو به کاهش گذاشت و میزان درآمد ناخالص ملی از سهم تولیدات کشاورزی بزرگتری یافت.

در جو جدید اقتصادی مربوط به فعالیت کشاورزی تعاونیها در چند سال اخیر و لزوم اصلاح قوانین شرکتهای تعاونی، مباحثات تندی بین مسئولین به وجود آمده است.

دولت گروهی از مردم آگاه می‌پرسند: آیا ضروری است که ما به حمایت از تعاونیهای چند منظوره که تاکنون خدمات شایسته‌ای، داشته است ادامه دهیم؟ برخی از مردم به جدا کردن بانک اتحادیه سراسری تعاونیهای کشاورزی و تأسیس بانک مستقل به نام بانک کشاورزی یا بانک تعاونی اصرار

سیاست‌های تعاونیها حمایت کرده و در توسعه و بقای آنها مشارکت فعال داشته است.

به سوی دموکراسی و ایجاد رقابت در تعاونیها

در اواخر دهه ۱۹۸۰ مردم کره شاهد تحول مهم سیاسی بودند، مسئولان تصمیم گرفتند که اصلاحات سیاسی به عمل آورده و کشور را به سوی دموکراسی سوق دهند. بعد از دو دهه مدیریت دولتی، طبقه جوان و متوسط جامعه در محافل مختلف سیاسی فریاد اعتراض خود را بلند کردند و خواهان تغییرات و اصلاحات سیاسی شدند، اعتراضات به تغییرات سیاسی در جامعه منجر شد. روش غلط و غیر دموکراتیک انتخابات که در بیست سال گذشته حاکم بود، برچیده شد و جای خود را به آراء اکثریت سپرد.

تحول سیاسی، تأثیر به‌سزایی بر تعاونیهای کشاورزی گذاشت. در تجدید نظر قانون "تعاونی کشاورزی" که در سال ۱۹۸۹ انجام گرفت، موضوع شرکت اعضا تعاونیها در انتخاب مدیران "اتحادیه تعاونیها" مطرح شد و به صورت یک اصل درآمد.

از آن تاریخ به بعد رئیس اتحادیه سراسری تعاونیهای کشاورزی توسط وزیر کشاورزی و شیلات به مردم معرفی و با آراء اکثریت به کار گمارده می‌شود.

دارند. آنها اظهار می‌دارند که سه‌سین چنین سازمان جدیدی رقابت بین بانک، و تعاونی را قوت می‌بخشد و موجب توسعه آنها خواهد شد. گروه مخالف از جمله اتحادیه مزبور این نظریه را رد می‌کند و می‌گوید بر عکس، جدا کردن این تشکیلات از هم (بانک، و تعاونی) نتیجه منفی خواهد داشت و به رونق تعاونیها و دوام آنها لطمه خواهد زد.

تازگیها، اغلب نظرات موافق این بیانیه بر این عقیده است که، اگر همه زیر نظر اتحادیه قرار گیرند، حداکثر دقت در امور حسابرسی و بیشترین حجم گردش کار باید به سیستم بانکی سپرده شود و سایر عملیات بازرگانی نیز به عهده تعاونیها باشد.

به منظور هماهنگی با تغییر ساختار کشاورزی، ما مسئولین اتحادیه بر آنیم که تحرکی در "انجمن ملی تولید کنندگان" و

تشویق آنها به کشت محصولات پرفروش چون: مرکبات، پیاز، سیر، فلفل قرمز و غیره به عمل آوریم. چنین تصمیمی به منظور بالا بردن میزان تولید و اصلاح کیفیت آن در نظر گرفته شده است.

این روش به تثبیت قیمت مواد در تعاونیها خواهد انجامید و به نفع تولید کننده و مصرف کننده خواهد بود.

اقدام مهم دیگری که به منظور حفظ تعادل در افزایش رقابت باید انجام گیرد، ادغام تعاونیهای ابتدائی در یکدیگر است. اغلب اینها شهری هستند و خیلی کوچک‌اند، به نحوی که نمی‌توانند به طور مؤثر با بخش خصوصی رقابت کنند. در حال حاضر طرح برای ادغام حدود ۱۴۰۰ تعاونی ارائه شده که تا سال ۲۰۰۰ رقم آنها به نصف برسد.

در آینده، تعاونیهای کشاورزی تدوین

قوانین اصلاحی و تعیین خط مشی خود را، به عهده خواهد گرفت و با زمان پیش خواهند رفت.

ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که، آینده امیدوار کننده است و برای صاحبان تعاونیها همراه با دموکراسی بیشتر خواهد بود، با یک دست تعاونیها را اداره خواهند کرد و با دست دیگر، به افزایش و پیشبرد رقابت، خواهند پرداخت.

دولت به منظور اصلاح ساختار بخش کشاورزی در ده سال آینده، در حال برنامه‌ریزی است این طرح به تعاونیها فرصت خواهد داد که همه امور و مسائل حقوقی مربوط به خود را، به دست گیرند تا بتوانند به طور شایسته به مردم خدمت کنند، هم چنانکه در طول سالیان دراز توانسته‌اند به خوبی از عهده انجام وظایف برآیند.

(ادامه مطلب از صفحه ۳)

نگاهی بر ضرورت آموزش سواد کامپیوتر در جامعه

بیشترتهای تکنولوژی در زمینه کامپیوتر، ایجاب می‌کند که افراد در زمینه‌های مختلف شغلی خود، اهمیت کاربرد کامپیوتر را درک کنند و از تأثیر آن بر جامعه واقف باشند. از این رو اعتقاد بر این است که در یک جامعه صنعتی و در عصر اطلاعات، سواد کامپیوتر به اندازه انرژی و مسود خام با ارزش است و تکنولوژیهای اطلاعاتی جدید نظیر کامپیوتر و ابزار مختلف ذخیره و انتقال اطلاعات، انقلابی را به وجود آورده‌اند که از نظر اهمیت دست کمی از اختراع چاپ ندارد. بنابراین سوادان کامپیوتر وضعیت مطلوب نخواهند داشت. علی‌رغم چنین اهمیت و ضرورتی متأسفانه، درصد خیلی بالایی از مردم جامعه ما از سواد کامپیوتر برخوردار نیستند و ما در ارتباط با کامپیوتر کشوری نسبتاً بیسواد تلقی می‌شویم.

پیشنهادها

در کشورهای جهان سوم، سطح سواد کامپیوتر افراد در مشاغل و سازمانهای مختلف بسیار پایین و تعداد با سوادان در زمینه کامپیوتر و استفاده از آن بسیار نادر است. بنابراین برای رسیدن به توسعه در کشورهای جهان سوم، حضور مؤثر آنها در معاملات بین‌المللی و پر شدن شکاف علمی و تکنولوژیکی بین این کشورها و کشورهای پیشرفته، حل سریع مشکل بیسوادی کامپیوتر ضرورت می‌یابد. در راستای همین ضرورت و برای ترویج و آموزش سواد کامپیوتر در کشورمان، توصیه می‌شود:

- برای شناخت کامپیوتر و یادگیری شیوه‌های بهره‌گیری از آن سخت‌افزارها و نرم‌افزارها به قدر کفایت در دسترس عموم مردم قرار گیرند. با این وصف از آنجا که صرف خریداری و تأمین این افزارها بحران بیسوادی کامپیوتر در جامعه را حل نمی‌کند، ترویج فرهنگ و مکانیسم کاربرد کامپیوتر و اشاعه سواد آن در جامعه نیز ضرورت خواهد داشت.
- به منظور استفاده مؤثر از امکانات و

تجهیزات کامپیوتری موجود و افزایش احتمالی آن در آینده، یک برنامه و سیاست علمی و انعطاف پذیر ملی در زمینه آموزش کامپیوتر تدوین و به مرحله اجرا گذاشته شود، زیرا بدون یک برنامه عملیاتی و اجرایی دقیق و جامع، آموزش سواد کامپیوتر توفیقی حاصل نخواهد کرد.

- با شناسایی عوامل تردید و ترس افراد از کاربرد کامپیوتر که احتمالاً ناشی از فقدان تجربه عمومی در ارتباط با این ابزار سودمند است، ایجاد فرصتهای یادگیری و ترغیب و تشجیع افراد به آموزش سواد کامپیوتر، ضرورت می‌یابد، زیرا آشنایی بیشتر با این ابزار، ترس و هیجان احتمالی موجود را در ارتباط با آن کاهش می‌دهد و به ایجاد علاقه و افزایش اعتماد مردم نسبت به کامپیوتر و بهره‌گیری از آن کمک خواهد کرد.

زیر نویس‌ها:

- 1) Computer Literacy
- 2) Cognitive
- 3) Affective